

مسئله حجاب؛ یک سال پس از ناآرامی های ۱۴۰۱

مبتهی بر گزارش «آینده نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱» و نقد لایحه عفاف و حجاب

خلاصه راهبردی
شهریور ۱۴۰۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

قال مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام) ثابروا علی صلاح المؤمنین و المتقین غرر الحکم

خلاصه راهبردی

مسئله حجاب؛ یک سال پس از ناآرامی های ۱۴۰۱
مبتنی بر گزارش «آینده نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱»

و نقد لایحه عفاف و حجاب

شهریور ۱۴۰۲

تهیه شده توسط گروه بررسی های راهبردی میراث
(وابسته به انجمن میراث اسلامی)

مدیر گروه: امیرمهدی مناقبی، Managhebi@mssint.com

مدیر پژوهشی: علیرضا رحمانی، Rahmani@mssint.com

همکاران:

مشاور بخش های حقوقی: علیرضا دهقانی

ویرایش: سمیه خرم نژاد

صفحه آرایی: علی اکبر محمدخانی

اطلاعات تماس:

۰۲۱-۲۶۴۰۸۰۴۷

www.mssint.com

Contact@mssint.com



گروه بررسی های راهبردی

برای دریافت گزارش ها و اطلاع از فعالیت های گروه می توانید
علاوه بر سایت در شبکه های اجتماعی ما را دنبال کنید:

[mssint](https://www.mssint.com) [mss.inst](https://www.instagram.com/mssinst) [mssinst](https://www.facebook.com/mssinst) [mssinst](https://www.linkedin.com/company/mssinst) [mssinst](https://www.youtube.com/channel/UCmssinst)

معرفی گروه

مأموریت گروه بررسی‌های راهبردی میراث، گفت‌وگو، تحلیل و پژوهش هدفمند پیرامون مسائل اجتماعی- فرهنگی شیعیان ایران و تدوین و ترویج راهکارهای جدید برای سیاست‌گذاران، نخبگان و مردم است. ما در این راستا در سایه بهره‌مندی از دانش خبرگان و تجربه کنشگران به ارائه پیشنهادات کاربردی در سطح سیاست‌گذاری و مسائل راهبردی خواهیم پرداخت؛ به عبارت دیگر از دل دانش و تجربه، پیشنهادهایی کاربردی برای مسائل راهبردی به دست خواهیم داد.

اهداف ما عبارت‌اند از:

۱. ارائه تصویری روشن از آینده، مسائل و راهکارها؛
۲. افزایش آگاهی عمومی به مسائل راهبردی؛
۳. رایزنی و تلاش در جهت تحقق راهکارهای مطرح‌شده.

بیانیه مسئولیت

گزارش پیش رو بر اساس روش‌های علمی تهیه شده است و ما مسئول کیفیت آن هستیم. شایان ذکر است که محتوای گزارش صرفاً بازتاب نظر جمعی از خبرگان است که الزاماً بیانگر دیدگاه‌های رسمی گروه نمی‌باشد.

تقدیر

از همفکری و راهنمایی آقایان سجاد هجری، روح اله هنرور و محسن امین سپاسگزاریم. همچنین از یکایک بزرگواران و یاورانی که ما را در تهیه این گزارش همراهی و هم‌یاری کرده‌اند، کمال تقدیر و تشکر را داریم: مصاحبه‌شوندگان گرانقدر، مشاوران حامی، واسطه‌های ارزشمند ارتباطی و حامیان مالی نیکوکار.

تقاضا

از جمله اهداف این گزارش، توسعه گفت‌وگو درباره مسئله حجاب در جامعه ایران است. از مخاطبان محترم صمیمانه خواستاریم نقدها و نظرات خود را پیرامون محتوای این پژوهش با ما و سایر علاقه‌مندان به صورت عمومی به اشتراک بگذارند. نقد این گزارش از بهترین بازخوردها برای ما خواهد بود.

فهرست

۶ سر خط
۷ تحولات اخیر
۷ اهمیت
۷ پیشنهادهای سیاستی
۸ پیش درآمد؛ کلاف سردرگم!
۸ از کدام زاویه به مسئله حجاب نگاه می‌کنیم؟
۸ برای حل مسئله، چه زاویه‌نگاهی باید جایگزین نگاه فعلی شود؟
۹ بخش اول؛ در مسیر آینده
۹ وضعیت‌سنجی مبتنی بر سناریوهای آینده حجاب
۹ تعریف مفاهیم محوری سناریوها
۹ رواداری
۱۰ گشودگی یا بستگی نظام سیاسی
۱۱ توضیح سناریوها
۱۱ هم‌زیستی
۱۱ صف‌آرایی
۱۱ مشت پوشالی
۱۱ آتش زیر خاکستر
۱۲ توصیف وضعیت فعلی
۱۲ ۱. ناظر به محور فضای سیاسی
۱۲ ملاحظه: آنچه دیروز ممنوع بود، امروز مطلوب است
۱۳ ۲. ناظر به محور رواداری اجتماعی
۱۴ جانمایی وضعیت فعلی در سناریوهای آینده‌نگاری
۱۵ گام بعدی و ریسک‌های آن
۱۵ ۱. تداوم مشت پوشالی
۱۵ ۲. حرکت به سمت آتش زیر خاکستر
۱۵ جمع‌بندی
۱۶ بخش دوم؛ نقشه‌ هوایی مسئله حجاب
۱۶ الف: تحول عرصه اجتماعی
۱۶ زوال پدرسالاری
۱۶ فردگرایی
۱۶ فردی‌شدن دین

۱۷ مصرف‌گرایی و مصرف‌نمایشی
۱۷ هویتی‌شدن بدن
۱۷ جنبش‌های زنان
۱۸ ب: رویکرد جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب در لایحه
۱۸ ۱. عدم رعایت حجاب به‌مثابه جرم
۱۸ ۲. لزوم مقابله سخت با تمام انواع عدم رعایت حجاب
۱۸ ۳. تقلیل مسئله حجاب به یک موضوع رفتاری
۱۹ پیامدهای رویکرد جرم‌انگاری از چند منظر
۲۰ جمع‌بندی
۲۱ تناقض کارکردی در ساخت هنجار اجتماعی
۲۱ تناقض کارکردی در اقامه شرع
۲۱ تناقض کارکردی در تداوم مشروعیت و اقتدار نظام
۲۲ بخش سوم: ارزیابی لایحه عفاف و حجاب
۲۲ مسئله لایحه
۲۲ خلاصه لایحه «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب»
۲۲ فصل اول؛ کلیات
۲۴ فصل دوم؛ وظایف عمومی دستگاه‌های اجرایی
۲۴ فصل سوم؛ تکالیف اختصاصی دستگاه‌های اجرایی
۲۴ فصل چهارم؛ وظایف عمومی و مسئولیت اجتماعی
۲۴ فصل پنجم؛ جرائم و تخلفات
۲۵ نقد و بررسی لایحه عفاف و حجاب
۲۵ الف. از منظر اجتماعی و فرهنگی
۲۵ ۱. پیوند میان مفهوم صیانت از خانواده و حجاب
۲۵ ۲. نگاه مکانیکی به حجاب در وظایف دستگاه‌های دولتی
۲۶ ۳. ظرفیت جریمه نقدی برای ایجاد شکاف طبقاتی
۲۶ ۴. صدمه به کسب‌وکارها و مشاغل
۲۶ ۵. کاهش برخورد مستقیم و حذف برخوردهای غیررسمی
۲۶ ب. از منظر حقوقی
۲۶ ۱. ابهام در تعریف مفاهیم
۲۷ ۲. ملاک قرارگرفتن عفت نسبی و حیثی به‌جای عفت عمومی
۲۷ ۳. مغایرت‌های قانونی و شرعی
۲۷ جمع‌بندی
۲۸ بخش چهارم: چه باید کرد؟
۲۸ ارائه پیشنهادها و سیاستی
۲۸ ۱. تغییر محور سیاست‌گذاری: از جرم‌انگارانه به فرهنگی
۲۸ ۲. باحجاب‌ها به‌جای بی‌حجاب‌ها: محوریت‌یافتن ارتقای منزلت حجاب
۲۹ ۳. تمرکززدایی از چادر: وسعت‌دادن به گستره مصادیق حجاب
۲۹ ۴. هدایت نیروها: کنترل تنش‌ها
۳۰ ۵. بهبود پوشش نه حجاب شرعی: بازتعیین هدف و چشم‌انداز در حوزه حجاب
۳۰ ۶. زیربنا به‌جای روبنا: فهم حجاب به‌عنوان یک عمل عبادی، نه یک عادت رفتاری صرف

اسرخط |



تحولات اخیر |

با گذشت حدود یک سال از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱، مسئله حجاب در جامعه ایران، همچنان پابرجاست و راه‌حل روشنی برای آن، متصور نیست. در این یک سال، شاهد اقدامات پراکنده‌ای از سوی حاکمیت و جامعه بوده‌ایم که بعضاً تنش‌هایی را در این موضوع، ایجاد کرده‌اند. مهم‌ترین و جدی‌ترین اقدامی که از سوی حاکمیت در این باره مورد توجه بوده است، تنظیم مجدد قوانین ناظر به حجاب است که در قالب لوایح پیشنهادی قوه قضائیه، دولت و کمیسیون حقوقی مجلس ارائه شده است. بررسی آخرین لایحه پیشنهادی مبتنی بر اصل ۸۵ قانون اساسی، خارج از صحن اصلی مجلس و به صورت غیرعلنی توسط کمیسیون حقوقی انجام شده است. همچنان مشخص نیست که نتیجه این بررسی منجر به شکل‌گیری چه قوانینی در حوزه حجاب خواهد شد.

اهمیت |

مبتنی بر سناریوهای ترسیم‌شده در گزارش «آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱»، دو محور گشودگی یا بستگی فضای سیاسی (ناظر به حاکمیت) و رواداری (ناظر به جامعه)، تعیین‌کننده وضعیت پیش روی اجبار به حجاب، در کشور هستند. به نظر می‌رسد وضعیت کنونی در موضوع حجاب ذیل سناریوی «مشت پوشالی» قرار گرفته است. وضعیتی که در آن، جامعه تمایل به رواداری دارد؛ اما نظام سیاسی به دنبال ایجاد گشودگی نیست. گام بعدی این وضعیت، به نحوه عملکرد و سیاست‌های حاکمیت در موضوع حجاب وابسته است. عدم حرکت به سوی گشودگی از سوی نظام سیاسی، می‌تواند منجر به کاهش رواداری اجتماعی نیز گردد و به نظر می‌رسد نظام سیاسی، در حال حرکت در همین مسیر است. به منظور جلوگیری از تبعات ناگوار خدشه‌دار شدن رواداری اجتماعی، باید رویکرد فعلی حاکمیت در قبال حجاب که به عنوان رویکرد «جرمانگاران» شناخته می‌شود، تغییر کند. رویکرد جرم‌انگاران در تعارض با واقعیت‌هایی است که در جنبه‌های مختلف اجتماعی و دینی و سیاسی موضوع حجاب وجود دارند. مهم‌ترین مشکل این رویکرد، مسئله «تناقض کارکردی» است؛ یعنی رسیدن به نقطه‌ای که کاملاً متضاد با کارکرد و هدف موردنظر از اتخاذ این رویکرد است.

پیشنهاد‌های سیاستی |

در همین راستا و برای تغییر رویکرد جرم‌انگاران نسبت به عدم رعایت حجاب، پیشنهادهایی ناظر به نقش حاکمیت و جامعه مدنی و مذهبی طرح شده است که در قالب این عناوین قابل ارائه است:

۱. تغییر محور سیاست‌گذاری: از جرم‌انگاران به فرهنگی
۲. باحجاب‌ها به جای بی‌حجاب‌ها: محوریت یافتن ارتقای منزلت حجاب
۳. تمرکززدایی از چادر: وسعت دادن به گستره مصادیق حجاب
۴. هدایت نیروها: سوق دادن ظرفیت‌های ایجادکننده تنش به عرصه‌های غیرتنش‌زا
۵. بهبود پوشش نه حجاب شرعی: بازتعیین هدف و چشم‌انداز در حوزه حجاب
۶. زیربنا به جای روبنا: فهم حجاب به عنوان یک عمل عبادی، نه یک عادت رفتاری صرف

پیش درآمد؛ کلاف سردرگم!

پاییند به رعایت حجاب نیستند، به‌عنوان طرف متخاصم و اصل مسئله، شناخته می‌شوند. برای حل مسئله، نظام سیاسی باید به‌جای تمرکز بر نتایج، بر تغییر فرایندها متمرکز شود.

نوشتار پیش رو با نقد رویکرد فعلی در نسبت با موضوع حجاب که در قالب رویکرد جرم‌انگارانه نسبت به عدم رعایت حجاب شناخته می‌شود، در گام نخست، به نقد و بررسی آخرین اقدام نظام سیاسی در موضوع حجاب در یک سال گذشته با عنوان لایحه عفاف و حجاب می‌پردازد. اشاره به این نکته نیز خالی از لطف نیست که محوریت یافتن لوایح عفاف و حجاب در اقدامات نظام سیاسی، به‌جای تمرکز بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی، خود نشان از صحت ادعای طرح‌شده در باب رویکرد جرم‌انگار حاکمیت به موضوع حجاب دارد.

در بخش نخست این گزارش، بررسی وضعیت فعلی موضوع حجاب در جامعه ایرانی و تطابق آن با سناریوهای طرح‌شده در گزارش «آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱» که سال گذشته، توسط گروه بررسی‌های راهبردی میراث منتشر شد، در دستور کار قرار دارد.

بخش دوم این گزارش متمرکز بر آخرین لایحه طرح‌شده در موضوع حجاب است و پس از ارائه خلاصه‌ای از محتوای لایحه، به نقد بررسی آن از منظرهای مختلف می‌پردازد. مبنای این نقد، نسخه‌ای از لایحه است که در قالب ۷۰ ماده و به‌صورت عمومی منتشر شد و پس از آن، با استناد به اصل ۸۵ قانون اساسی، به شکل غیرعلنی و محرمانه در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس مورد بررسی قرار گرفت.

در بخش سوم این نوشتار نیز پیامدهای اتخاذ رویکرد جرم‌انگار در تلاقی با ابعاد مختلف این موضوع، بررسی و ترسیم خواهند شد. آنچه به‌عنوان نقد اصلی به این رویکرد ناظر به تمام ابعاد طرح‌شده، ارائه می‌شود، تناقض کارکردی نام دارد؛ یعنی سیاست‌های اتخاذشده، نه تنها ثمربخش نیست، بلکه برخلاف اهداف اعلامی آن‌ها نتیجه می‌دهد.

در بخش چهارم نیز پیشنهادها ناظر به تغییر رویه‌های سیاستی مطرح می‌شوند.

از کدام زاویه به مسئله حجاب نگاه می‌کنیم؟

نوع نگاه حاکمیت به مسئله حجاب، تعیین‌کننده نحوه برخورد و مواجهه او با این پدیده خواهد بود. به نظر می‌رسد رویکرد حاکمیت در مسئله حجاب در سال‌های پس از انقلاب اسلامی تاکنون، در یک مسیر ثابت بوده است و آن رویکرد، طرد و نفی افرادی است که به هر دلیل و انگیزه‌ای، از استاندارد موردنظر جمهوری اسلامی در حوزه حجاب و پوشش تبعیت نمی‌کنند. به بیان دیگر در این زاویه نگاه، محل مخاصمه شهروندان ایرانی غیرملتزم به حجاب خواهند بود و از طریق انواع واقسام سازوکارهای قهری و مجازات، بنای کنترل این بخش از جامعه وجود داشته و دارد. آنچه در این زاویه دید، نادیده گرفته می‌شود، مجموعه عوامل و شرایط و فرایندی است که در آن، قسمت قابل توجهی از جامعه ایران از استانداردهای مطلوب در حوزه حجاب و پوشش فاصله گرفته‌اند و تنها بر خروجی و ثمره این روند که بروز و ظهور عدم التزام به حجاب است، تمرکز و توجه می‌شود. شوربختانه توجه‌های پراکنده‌ای هم که در این زمینه وجود دارد، در قالب و بستر فعالیت‌های فرهنگی مشتت، تعریف شده است که معنای خود را از دست داده است. در چنین شرایطی، حل مسئله، همواره سخت‌تر و دور از دسترس‌تر به نظر می‌رسد.

برای حل مسئله، چه زاویه نگاهی باید جایگزین نگاه فعلی شود؟

عدم رعایت حجاب، ثمره مجموعه‌ای از فرایندهاست. در رویکرد فعلی نظام سیاسی، تمرکز بر ثمره فرایندهاست، نه خود آن‌ها. نتیجه نگاه فعلی، این است که آن دسته از شهروندان ایرانی که

در مسیر آینده |

تعریف مفاهیم محوری سناریوها رواداری یا عدم رواداری اجتماعی

رواداری یا تلورانس^۲ مفهومی است که ریشه آن در موضوع اختلافات مذهبی و فرقه‌ای قرن شانزدهم اروپاست؛ اما به مرور زمان، مفهوم گسترده‌تری یافته و علاوه بر حوزه مذهب، به سایر حوزه‌های اجتماعی نیز تسری یافته است. در بیان ساده، رواداری یعنی کنار آمدن با افراد و گروه‌هایی که از لحاظ عقاید و ارزش‌ها با ما متفاوت‌اند و نیز پذیرش آن‌ها. حتی این‌گونه نیز بیان شده است که رواداری به معنای آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌ها یا اعمالی است که از نظر ما اشتباه به نظر می‌رسند. رواداری در ایجاد هم‌بستگی و هم‌گرایی و انسجام اجتماعی، نقشی اساسی دارد. رواداری را در حوزه‌های مختلف زندگی انسان‌ها، مثل اعتقادات مذهبی و گرایش‌های سیاسی و ارزش‌های اخلاقی در نظر می‌گیرند.^۳

۲. Tolerance.

۳. امیری، محمد. کریمی، مجیدرضا، خدای، علیرضا (۱۴۰۰). «رواداری اجتماعی و تبیین جامعه‌شناختی آن»، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۴۸، ص ۵۷ تا ۷۶.

وضعیت سنجی مبتنی بر سناریوهای آینده حجاب

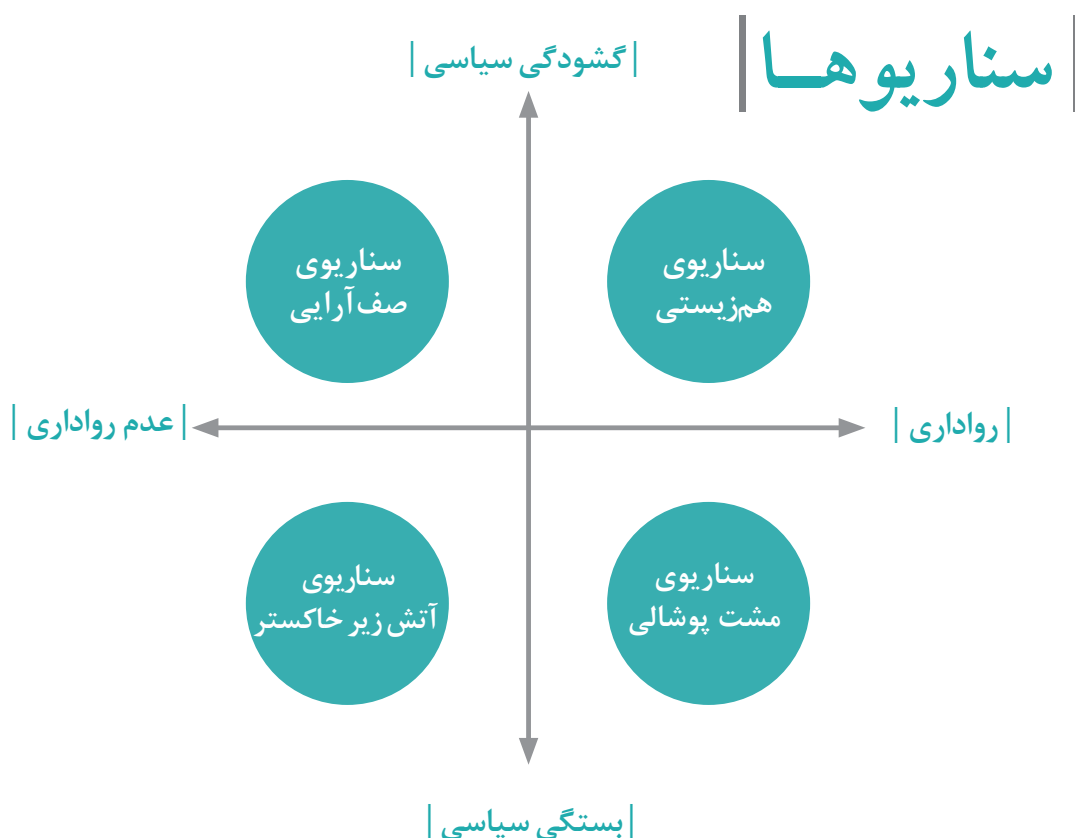
پس از گذشت یک سال از ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ که با محوریت موضوع حجاب شکل گرفت، در وضعیت خاصی به سر می‌بریم. شرایط موجود در عین اینکه در حال حاضر از وضعیتی نسبتاً آرام برخوردار است، اما نشانه‌ای از پایداری وضعیت در آن، قابل مشاهده نیست و در مقاطعی نیز می‌توان تنش‌هایی را در این شرایط مشاهده کرد. براساس چهار سناریوی طرح‌شده در گزارش «آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱»، می‌توان برآوردی از وضعیت فعلی ارائه داد که مسیر حرکت این وضعیت را در بستر محورهای طرح‌شده در سناریوهای پیش روی حجاب، جانمایی می‌کند.

پیش از ورود به این عنوان، مروری بر سناریوهای طرح‌شده و محورهای آن خواهیم داشت. تقاطع دو محور رواداری در بعد اجتماعی و گشودگی یا بستگی در بعد سیاسی، سناریوهای پیش روی الزام به حجاب را خلق می‌کند.

گشودگی یا بستگی نظام سیاسی

اگر حکمرانی هر نظام سیاسی را مجموعه‌ای از تعاملات میان مردم و حاکمیت برشماریم، حکومت سیاسی باز به حکومتی گفته می‌شود که براساس قانون اساسی هر کشور، مردم نقشی فعال در تعاملات آن بر عهده داشته و از بیان هرگونه انتقاد در چهارچوب قانون و درباره حکومت، هراسی نداشته باشند. در مقابل نیز حکومت سیاسی بسته به آن شکل از حکومت گفته می‌شود که مردم کمترین

نقش را در تعاملات فی‌مابین دارند و در صورت وجود نقص و اعتراض به حکومت، همواره ترس و وحشت در بین آنان وجود خواهد داشت. براین‌اساس، برخی نشانه‌های گشودگی سیاسی عبارت است از به رسمیت شناخته شدن و فعالیت احزاب و نهادهای مدنی، مشارکت زنان و اقلیتها در فعالیتهای سیاسی اجتماعی، به رسمیت شناخته شدن اعتراضات مردمی، آزادی اینترنت و فضای مجازی، آزادی رسانه‌ها. برای نشانه‌های فضای بستگی سیاسی نیز می‌توان متضاد شاخص‌های فوق را عنوان کرد.



توضیح سناریوها

صف‌آرایی

مردم آستانه تحمل بسیار کمی در قبال انواع تفکرات دارند؛ ولی همه جریان‌ها، نماینده خود را در حکمرانی کشور دارند. تحمل کم جامعه در برابر تفکرات متنوع، کاهش پیدا کرده و تنش به سطح سیاسی گسترش پیدا می‌کند. علاوه بر برخوردهای تند مردم با یکدیگر، فضای سیاسی نیز محل مقابله جریان‌های مختلف خواهد شد. جنبه نمادین سیاسی و اعتقادی حجاب، بیشتر گشته و موجب بروز تنش در روابط اجتماعی مردم می‌شود.

هم‌زیستی

جامعه با افکار و سبک زندگی‌های گوناگون مدارا کرده و همه جریان‌ها در حکومت نماینده دارند. مسئله حجاب به‌صورتی مسالمت‌آمیز و از طریق نمایندگان مردم و مطابق نظر اکثریت جامعه تنظیم می‌شود. حجاب و انواع پوشش در چهارچوب قانون، به‌عنوان یک انتخاب شخصی، توسط مردم پذیرفته و موجب جدایی مردم نخواهد شد.

آتش زیر خاکستر

فقط گروه خاصی از مردم در حکمرانی نماینده دارند و جامعه، تنوع در تفکر و سبک زندگی را تحمل نمی‌کند. بخشی از جامعه با پشتوانه قدرت سیاسی، بخش دیگر را سرکوب می‌کند و قوانین مد نظر خود را به اجرا می‌رساند. بخشی از مردم که در حکومت نماینده ندارند با برخوردهای تند با زنان محجبه و نمادهای دینی، قسمتی از خشم خود را بروز می‌دهند. زمینه برای اعتراضات گسترده و بروز خشونت فراهم است.

مشت پوشالی

جامعه با اقشار مختلف از باب تساهل و تسامح برخورد می‌کند؛ ولی فضای سیاسی کشور، تابع جریانی خاص است و همه دیدگاه‌ها در آن منعکس نمی‌شود. قانون و مجازات سخت‌گیرانه‌ای برای متخلفان از قانون حجاب، وضع و اعمال می‌شود؛ ولی مردم با پذیرش تکثر سبک‌های زندگی، با تساهل و تسامح با یکدیگر زندگی می‌کنند و قوانین حجاب از مشروعیت تهی می‌شود. حجاب به‌عنوان انتخابی فردی پذیرفته شده و موجب بروز تنش و جدایی مردم نمی‌شود. حساب گشت ارشاد، از زنان باحجاب جدا می‌شود.



| توصیف وضعیت فعلی |

براساس دو محور طرح‌شده در تدوین سناریوهای مذکور، می‌توان وضعیت فعلی را این‌گونه توصیف کرد:

ارشاد در تابستان ۱۴۰۲ اشاره کرد؛ اما در همین موارد نیز شاهد رویکرد متفاوت نظام سیاسی نسبت به قبل هستیم؛ به نحوی که پذیرش مسئولیت بازگشت گشت ارشاد را تقریباً هیچ نهادی عهده‌دار نشد؛ حتی در اصل اینکه این و ن‌ها متعلق به گشت ارشاد هستند یا نه، اظهار نظر محکمی وجود نداشت. در عین حال در همین بازه زمانی یک‌ساله، حرکت‌هایی مانند پلمپ محل کسب و یا ممانعت از فعالیت کسب‌وکارها به دلیل عدم رعایت حجاب، قابل مشاهده است که نشان‌دهنده تلاش نظام سیاسی برای حفظ مواضع پیشین خود در موضوع حجاب است. به نظر می‌رسد نظام سیاسی، رویکردی را در بین دو نگرانی خود دنبال می‌کند: اول، امکان بروز خشونت و آشوب‌های اجتماعی جدید و دوم، ایجاد تلقی ضعف و عقب‌نشینی در اذهان عمومی.

۱

ناظر به محور فضای سیاسی

وضعیت سیاسی در تعلیق

به نظر می‌رسد فضای سیاسی با تعریف ارائه‌شده در این گزارش، به سمت گشودگی حرکت نکرده است. از سویی دیگر، توقف فعالیت‌های تنش‌زا در موضوع حجاب مانند گشت ارشاد، نشان از آن دارد که لاقلاً در حال حاضر، فضای سیاسی در مقام عمل به سوی بستگی بیشتر نسبت به قبل حرکت نکرده است. هرچند می‌توان به مواردی مانند ظهور ناگهانی ون‌های مشابه گشت

ملاحظه: آنچه دیروز ممنوع بود، امروز مطلوب است

مناقشه بر سر موضوع حجاب تا پیش از ناآرامی‌های سال گذشته، مربوط به کشف حجاب و برداشتن کامل حجاب سر نبود. زنانی که از سوی گشت ارشاد مورد مواخذه قرار می‌گرفتند، به تعبیر رایج، بدحجاب و نه لزوماً بی‌حجاب بودند. به این معنا که اغلب آن‌ها به صورت کامل، فاقد حجاب سر نبودند؛ اما آنچه از سال گذشته تاکنون به وقوع پیوسته است، مرحله‌ای جدید از عدم التزام به حجاب است که در آن، حجاب سر به کلی برداشته شده است. در واقع آنچه در حال حاضر دغدغه نظام سیاسی در موضوع حجاب است، از لحاظ مصداقی، یک گام عقب‌نشینی را تجربه کرده است. کما اینکه در لایحه مطرح‌شده در مجلس شورای اسلامی، در تعریف حدود حجاب شرعی و مصداق کشف حجاب، به میزان پوشش موی سر توسط زنان اشاره نشده است و تنها به برداشتن کامل پوشش سر به‌عنوان مصداق کشف حجاب اشاره شده است.

تفاوت رویکرد عملی و نظری

فارغ از متن لایحه پیشنهادی و حذف عملی گشت ارشاد، می‌توان شاهد رویکرد متفاوتی در بُعد موضع‌گیری‌ها و تلاش‌های بخشی از نظام سیاسی برای مواجهه با عدم رعایت حجاب در سطح جامعه بود. این رویکرد در جهت عدم حرکت به سمت گشودگی است. موضع‌گیری‌های برخی دولتمردان و ائمه جمعه و مسئولین دولتی در خصوص موضوع حجاب، نشان از آن دارد که در ظاهر، عقب‌نشینی و مسامحه در موضوع قوانین حجاب برای آن‌ها پذیرفتنی نیست. همچنین لوایح پیشنهادی ارائه‌شده از سوی نهادهای مختلف در موضوع حجاب، نشان از آن دارد که تفاوت ماهوی چندانی نسبت به موضوع حجاب و موضع نظام سیاسی در قبال آن، صورت نگرفته است. تنها در شیوه‌های اجرایی، پیشنهادها به‌نحوی تنظیم شده‌اند که تا جای ممکن،

امکان تنش و درگیری را کاهش دهند. حتی همین تلاش‌ها برای کاهش تنش‌های احتمالی، از سوی بخش‌هایی از جریان سیاسی به‌منزله عقب‌نشینی و تسامح تلقی شده و مورد اعتراض ایشان قرار گرفته است.

در مجموع، آنچه در محور گشودگی یا بستگی فضای سیاسی قابل‌ادراک است، نشان از نوعی تعلیق دارد که در بُعد نظری آن، هیچ نشانی از حرکت به سمت گشودگی قابل‌مشاهده نیست و در بُعد عملی نیز علی‌رغم پرهیز از اقدامات عملی مانند رویه سابق، همچنان نوعی از اقدامات قابل‌مشاهده هستند که نشان می‌دهند برای حفظ وضعیت سابق و عدم حرکت به سمت گشودگی بیشتر، عزمی جدی از سوی نظام سیاسی وجود دارد.



ناظر به محور رواداری اجتماعی

تنش‌های پراکنده در عین حفظ کلیت رواداری

در یک سال گذشته در سطح اجتماعی، وضعیتی از رواداری اجتماعی قابل‌مشاهده بوده است. مقصود از رواداری، زیست به‌دور از تنش در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، علی‌رغم وجود تفاوت‌های ارزشی و هنجاری است که در این زمینه، به‌صورت خاص به موضوع نحوه پوشش و حجاب مربوط می‌شود. در چنین وضعیتی، افراد یک جامعه در عین تنوع پوشش، به‌نحوه پوشش یکدیگر احترام گذاشته و با ایجاد تنش و بروز خشونت، شیوه پوشش یکدیگر را نقد نمی‌کنند. بعضاً برخی از تنش‌ها در میان شهروندان بر سر موضوع حجاب شکل گرفته است که هر دو گروه موافقان و مخالفان حجاب اجباری، در آن دخیل بوده‌اند. بازتاب رسانه‌ای این تنش‌ها هرچند گسترده بوده‌اند، ولی آنچه در عرصه واقعی اجتماع در حال وقوع است، به‌صورت کلی نشان‌دهنده غلبه رواداری است. پیمایش‌های انجام‌شده در سطح ملی نشان از آن دارند که اکثریت جامعه ایرانی در برخورد با بی‌حجابی ولو اینکه با اصل آن مخالف

نوع تنش‌ها در میان برخی شهروندان قابل مشاهده است، اما به صورت کلی وقوع چنین تنش‌هایی تبدیل به امری گسترده و پهن دامنه در جامعه ایرانی نشده است که خود، نشان از غلبه رواداری در جامعه ایرانی دارد.

احتمال وقوع تنش‌های اجتماعی متأثر از عملکرد نظام سیاسی

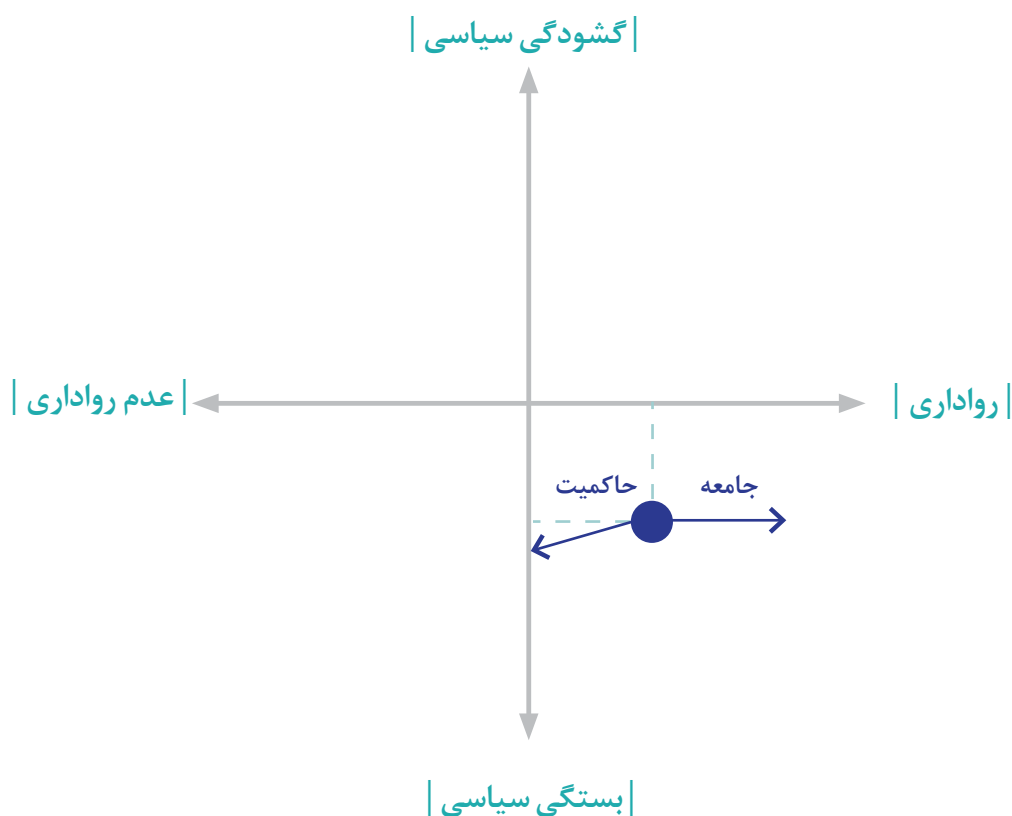
یکی از موضوعاتی که می‌تواند منجر به عدم رواداری در سطح اجتماعی شود، مسئله احساس تبعیض است. احساس تبعیض به این معناست که یک یا چند گروه اجتماعی خاص، بنابر برخورداری یا عدم برخورداری از مجموعه‌ای از ویژگی‌های

باشند دست به اقدامی نمی‌زنند.^۴ حتی پیش از وقایع سال گذشته در موضوع حجاب، مقوله امر به معروف و نهی از منکر در این موضوع، بستر وقوع تنش‌های بسیاری در میان شهروندان بود. در شرایط حاضر نیز هرچند همچنان نمونه‌هایی از این

۴. مبتنی بر یافته‌های موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در پاسخ به سوال «در مقابل بدحجابی خانم‌ها چکار می‌کنید؟» ۶۷،۲ درصد پاسخگویان گفته‌اند «مخالفم ولی کاری نمی‌کنم». باید توجه داشت که از صرف این گزاره نمی‌توان استنباطی مبتنی بر موافقت یا مخالفت شهروندان ایرانی با حجاب اجباری به دست آورد. برای مشاهده نتایج این پیمایش می‌توانید به این پیوند مراجعه کنید:

<https://ircud.ir/Media/PDF/1400/04/12/637608720832709393.pdf>

جانمایی وضعیت فعلی در سناریوهای آینده‌نگاری



۱

تداوم مشت پوشالی

در صورتی که وضعیت رواداری اجتماعی تحت‌تأثیر اقدامات نظام سیاسی در حوزه تنظیم و اعمال قوانین پوشش و حجاب، دچار تغییرات جدی نشود، می‌توان انتظار داشت که وضعیت مشت پوشالی همچنان تداوم یابد. در این وضعیت، گروه‌های مختلف جامعه نسبت به یکدیگر روادار هستند و قوانین، مشروعیت خود را از دست داده‌اند.

۲

حرکت به سمت آتش زیر خاکستر

در صورتی که اجرای قوانین حجاب، حس تبعیض و نقض حقوق شهروندی را برای بخش قابل‌ملاحظه‌ای از جامعه ایرانی ایجاد کند، می‌توان انتظار داشت که رواداری اجتماعی موجود، دچار خدشه شده و برخی گروه‌های اجتماعی، علی‌الخصوص در دو سوی طیف موافق و مخالف حجاب اجباری، در مقابل یکدیگر قرار گیرند و فضای جامعه را ملتهب کنند. خطر شکل‌گیری دو قطبی اجتماعی در موضوع حجاب، در صورت عملکرد نسنجیده نظام سیاسی در مسئله حجاب، جدی خواهد بود.

رفتاری، از بخشی از حقوق شهروندی خود محروم شوند. این حس محرومیت و تبعیض می‌تواند در بسترهای دیگری از کنش اجتماعی، به صورت متقابل از سوی گروهی که مورد تبعیض واقع شده‌اند، منجر به اعمال خشونت شود. وضع قوانین تبعیض‌آمیز در حمایت از حجاب و علیه افراد فاقد حجاب زمینه‌ساز افزایش خشونت علیه افراد محجبه در بستر جامعه خواهد شد. آنچه در رویکردهای کلان نظام سیاسی در حوزه قوانین حجاب قابل‌مشاهده است، نشان از افزایش احتمال وقوع چنین وضعیتی دارد.

باتوجه به آنچه از وضعیت فعلی در نسبت با دو محور اصلی سناریوها مطرح شد، می‌توان این وضعیت را ذیل سناریوی مشت پوشالی در نظر گرفت. در این حالت فضای سیاسی به سمت گشودگی، حرکت قابل‌توجهی نداشته است. برخی از محدودیت‌های سابق در مقام عمل، به حالت تعلیق درآمده‌اند؛ اما عزم دستگاه سیاسی و موضع‌گیری‌های آن نشان از تمایل برای عدم گشودگی دارد. در همین حال، حرکت کلی جامعه به سمت رواداری است و علی‌رغم وجود تنش‌های پراکنده، می‌توان جامعه فعلی را در موضوع حجاب، جامعه‌ای نسبتاً روادار تلقی کرد.

گام بعدی و ریسک‌های آن

با ارزیابی وضعیت فعلی و مشاهده روندهای موجود، به نظر می‌رسد مسیر پیش رو، یکی از این دو حالت باشد: تداوم سناریوی مشت پوشالی یا حرکت به سمت سناریوی آتش زیر خاکستر.

جمع‌بندی |

به نظر می‌رسد رویکردی که حاکمیت در لایحه عفاف و حجاب اتخاذ کرده است، منجر به حرکت جامعه به سوی عدم رواداری اجتماعی شود. رویکرد موجود که جنبه مجازات و جرم‌انگاری در آن پررنگ است، نه تنها به حل مسئله حجاب نمی‌انجامد، بلکه موجب می‌شود تبعات ناگوار اجتماعی و فرهنگی در این عرصه پدید آیند. برای فهم بهتر مختصات و زوایای گوناگون مسئله حجاب که وضعیت کنونی تحت‌تأثیر آن‌ها شکل گرفته است، در بخش بعدی با عنوان «نقشه‌های هوایی مسئله حجاب»، به تشریح ابعادی می‌پردازیم که منجر به شکل‌گیری میدان بازی حجاب با ویژگی‌های کنونی شده‌اند.

نقشه هوایی مسئله حجاب |

چالش‌های جدی مواجهه و در حال زوال است. جایگاه دولت به‌عنوان تصمیم‌گیر همه‌امورات جامعه نیز متأثر از همین دیدگاه، با چالش‌های جدی مواجه شده است. بخش قابل توجهی از جامعه، جایگاه حاکمیت در تعیین تکلیف در حوزه حجاب را به رسمیت نمی‌شناسد و برای آن مشروعیت قائل نیست. اعمال قدرت حاکمیت در این عرصه، برای بخشی از جامعه، فاقد معنای پیشین خود شده است.

۲. فردگرایی

دامنه حوزه فردی نسبت به گذشته، بسیار گسترده شده است. ورود حاکمیت به مسئله حجاب و پوشش از سوی بخش قابل توجهی از جامعه به‌ویژه جوانان و نوجوانان، تعدی به حوزه شخصی محسوب شده و موردقبول آن‌ها نیست.

۳. فردی شدن دین

طی یک روند جهانی، ساحت اجتماعی دین کم‌رنگ‌تر و بُعد فردی آن تقویت شده است. حجاب نیز به‌عنوان یک عمل برخاسته از چهارچوب دینی، در همین روند به حوزه شخصی رانده شده است. انتخاب یا عدم انتخاب حجاب تبدیل به یک تصمیم فردی شده است و نمی‌توان برای گروه بزرگی از جامعه با پشتوانه ادبیات دینی، از لزوم

اینکه حجاب در حال حاضر و در جامعه ایرانی، دارای چه وضعیت و جایگاهی است را نمی‌توان تنها از یک منظر، تبیین و تحلیل کرد. برای درک درست از وضعیت حجاب، باید دیدی گسترده و همه‌جانبه داشت تا ابعاد مختلف این مسئله روشن گردد.

الف. تحول عرصه اجتماعی

در این دیدگاه تأکید می‌شود که باید تغییرات به‌وجودآمده در عرصه اجتماعی را شناخت و موضوع حجاب و مواجهه شهروندان ایرانی با آن را در بستر این تحولات درک کرد. علی‌الخصوص اینکه بخش قابل توجهی از کسانی که حجاب موردنظر حاکمیت را رعایت نمی‌کنند، به‌مراتب، بیشتر تحت تأثیر این تحولات اجتماعی بوده‌اند و براساس مقتضیات زیست جهان اجتماعی جدید رفتار می‌کنند. عناصر اصلی این دیدگاه نظری شامل این موارد هستند:

۱. زوال پدرسالاری

الگوی پدرسالار^۱ در عرصه‌های خرد و کلان اجتماعی با

۱. مقصود از «پدرسالاری» گونه‌ای از نظم اجتماعی است که در آن، یک نفر در جایگاه اعمال قدرت قرار گرفته و مشروعیت اعمال قدرت خود را از جایگاه خود (پدر، شوهر، رئیس، حاکم...) کسب می‌کند. نظم پدرسالار، معمولاً تکثر و تنوع را بر نمی‌تابد و به‌دنبال اجرای خوانش مطلوب خود در همه عرصه‌هاست.

رعایت آن به دلیل بعد اجتماعی حجاب سخن گفت. التزام به حجاب در بعد اجتماعی به‌عنوان یک عمل دینی، برای حجم قابل توجهی از شهروندان فاقد اعتبار سابق است.

۴. مصرف‌گرایی و مصرف‌نمایشی

در مصرف کالاها و خدمات، علاوه بر موضوع تأمین نیاز و کارکرد مسئله نمایش و کسب منزلت از طریق نمایش، مصرف نیز بسیار برجسته شده است. پوشش به‌عنوان بخش مهمی از مصرف، از این قاعده مستثنا نیست. حجاب در قالب مطلوب حاکمیت و به‌طور خاص با تأکید بر چادر، فاقد ظرفیت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیاز بخش قابل‌ملاحظه‌ای از زنان است که مصرف‌نمایشی برای آن‌ها موضوعیت دارد.

۵. هویتی‌شدن بدن

بدن در زندگی مدرن، تنها کالبد فیزیکی افراد نیست؛ بلکه دارای معنای فرهنگی و هویتی است. نمایش بدن برای بخشی از جامعه، معنای متفاوتی نسبت به قبل پیدا کرده است. حجاب اجباری از لحاظ معنایی، در تضاد با طرز فکر و سبک زندگی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از جامعه است که بخشی از هویت خود را از طریق بدنی و کالبدی بروز می‌دهند.

۶. جنبش‌های زنان

تحت تأثیر روندهای جهانی، مسئله حقوق زنان نسبت به قبل اهمیت بیشتری یافته است. زنان به دنبال کسب آزادی‌های حقوقی و مدنی بیشتری هستند و برای به دست آوردن آن تلاش می‌کنند. نمی‌توان انتظار داشت بدون اعطای امتیاز به زنان، تنها با تکیه بر قانون، محدودیت‌های بیشتری را در قبال آن‌ها اعمال کرد. قوانین فعلی در آینده‌ای نه‌چندان دور، محل منازعه زنان و قانون‌گذاران خواهد بود. قوانین حجاب نیز بخشی از این عرصه هستند.

پس از مطرح‌شدن ابعاد اجتماعی موضوع، نوبت به طرح رویکرد سیاستی غالب در تصمیمات



۲. لزوم مقابله سخت با تمام انواع عدم رعایت حجاب

عدم رعایت حجاب از آنجاکه به‌عنوان یک جرم در نظر گرفته شده است، پس باید با کسانی که مرتکب آن شده‌اند، به‌مثابه مجرم و با تکیه بر مجازات‌های قانونی برخورد کرد. مجازات‌ها از سنخ مجازات‌هایی هستند که برای سایر انواع جرایم نیز اتخاذ می‌شوند. تنها تغییر در نحوه و گونه مجازات، حرکت به‌سمت مجازات‌های نقدی سنگین به‌جای برخوردهای شدید جزایی مانند شلاق و حبس است؛ هرچند که همچنان نیز بر اساس شدت یا میزان جرم، می‌توان از مجازات زندان استفاده کرد.

۳. تقلیل مسئله حجاب به یک موضوع رفتاری

مقصود این است که در این رویکرد، عدم رعایت حجاب به‌مثابه نوعی کج‌روی رفتاری تلقی شده است که می‌توان با سیستم مجازات و پاداش، افراد را به‌سمت الگوهای رفتاری مطلوب سوق داد و رفتارهای جدید را با همین مکانیزم‌های جزا و پاداش، در میان شهروندان نهادینه کرد.

اتخاذ‌شده در حوزه حجاب از سوی حاکمیت می‌رسد. این رویکرد، محور تمامی اقداماتی است که از ابتدای طرح قوانین حجاب در کشور بر فضای سیاست‌گذاری و اجرا حاکم بوده است. در این گزارش، نام این رویکرد را «جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب» در نظر گرفته‌ایم که به‌اختصار آن را رویکرد جرم‌انگاری می‌نامیم. در ادامه، به تشریح این رویکرد می‌پردازیم.

ب. رویکرد جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب در لایحه

۱. عدم رعایت حجاب به‌مثابه جرم

در این رویکرد نداشتن حجاب به هر نحوی، قانون‌شکنی و مصداق ارتکاب جرم است. بر این مبنا نمی‌توان نداشتن حجاب را به‌عنوان هنجار برآمده از یک الگوی ارزشی خاص، در بخشی از جامعه قبول کرد و تنها باید آن را در قالب عمل مجرمانه و مستحق مجازات در نظر گرفت. از این منظر، بخش قابل توجهی از افراد جامعه ایرانی مجرم به حساب می‌آیند؛ صرف‌نظر از اینکه در چه نظام ارزشی قرار داشته و نیست مجرمانه‌ای دارند یا خیر.

پیامدهای رویکرد جرم‌انگاری در نسبت با دیدگاه نظری تحول عرصه اجتماعی

فردگرایی

بخش قابل توجهی از جامعه، احساس خواهند کرد که آزادی‌های فردی ایشان نقض شده است. وضع و اجرای چنین قانونی نه تنها به اقتدار نظام حاکم منتهی نمی‌شود که تصویری منفی و تمامیت‌خواه از آن در اذهان این بخش از جامعه ایجاد می‌کند.

جنبش‌های زنان

نارضایتی زنان، بدون تغییر و اصلاح قوانین مرتبط با حقوق زنان، افزایش خواهد یافت و رویکرد موجود در عرصه قوانین حجاب، این نارضایتی را برای گروه مهمی از زنان تشدید می‌کند. تشدید این نارضایتی منجر به موضع‌گیری و مخالفت بخش اثرگذاری از جامعه زنان با گفتمان حاکمیت در این عرصه خواهد شد. احتمال پیوستن قشر خاکستری به سویه‌های افراطی، افزایش خواهد یافت.

مصرف‌گرایی و مصرف‌نمایی + هویتی‌شدن بدن

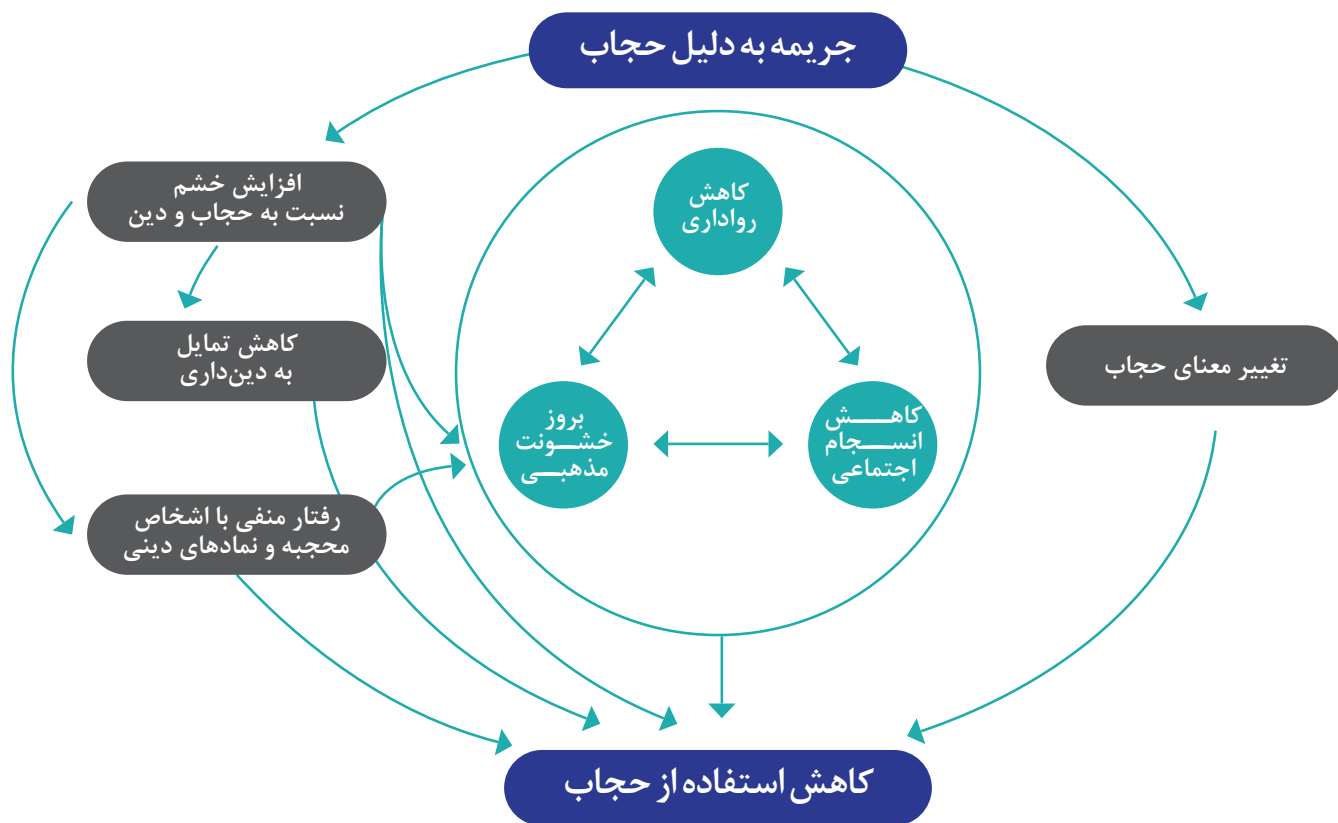
نیازهای بخش قابل توجهی از افراد جامعه، با رویکردی غیرطبیعی و مکانیکی صرفاً انکار می‌شود، بدون آنکه جایگزین مناسبی برای رفع نیاز آن‌ها در حوزه مصرف و ابعاد هویتی بدن ارائه شده باشد. این رویکرد حتی می‌تواند ابعاد شدیدتری به بُعد نمایشی پوشش و جنبه هویتی بدن بیفزاید و در نهایت، نتیجه‌ای معکوس با خواسته اولیه خود ایجاد کند و حتی به نمایش افراطی بدن برای ابراز هویت بینجامد.

فردی‌شدن دین

دیانت مد نظر حاکمیت، در تعارض با گونه دین‌داری بخش مهمی از جامعه تعریف می‌شود. با تداوم این رویکرد، نه تنها یک گونه خاص از دیانت در معرض نگاه منفی قرار می‌گیرد که احتمال شکل‌گیری سویه‌های منفی نسبت به کلیت دین نیز افزایش خواهد یافت.

زوال پدرسالاری

مشروعیت قانون و قانون‌گذار برای بخش قابل توجهی از جامعه از بین خواهد رفت. اساساً این بخش از جامعه که در نسل‌های جوان‌تر بروز و ظهور بیشتری دارد، رویکرد از بالا به پایین را در مسئله حجاب بر نمی‌تابد و به مقابله‌های غیررسمی با آن می‌پردازد.



رابطه جریمه و کاهش استفاده از حجاب

جمع‌بندی |

سازمان‌ها و قوانین اجتماعی به دلیل داشتن یک کارکرد خاص و تحقق یک هدف مشخص پدید می‌آیند. در موضوع حجاب، با در نظر گرفتن حداقل سه هدف در حوزه‌های اجتماعی (تبدیل شدن حجاب به هنجار)، شرعی (اقامه حدود شرعی) و سیاسی (افزایش اقتدار و مشروعیت نظام)، می‌توان شاهد آن بود که کارکردها و اهداف مورد نظر، نه تنها با اتخاذ رویکرد مذکور تحقق نمی‌یابند، بلکه منتهی به وضعیتی خواهند شد که هدف اولیه و کارکرد مورد نظر نقض می‌شود.



به نظر می‌رسد سیاست‌هایی که حاکمیت در پیش گرفته است، نتایج منفی خواهد داشت. این سیاست‌ها در عمل، منجر به پدیدآمدن نتایج معکوسی نسبت به اهداف اعلامی می‌شود. به‌اختصار می‌توان از این شرایط با عنوان «تناقض کردی» نام برد.

۱. تناقض کارکردی در ساخت هنجار اجتماعی

در بعد اجتماعی، اگر هدف نهایی وضع و اجرای قوانین مذکور را تبدیل‌شدن الگوی مطلوب حجاب به هنجار اجتماعی پذیرفته‌شده در بین اکثریت جامعه در نظر بگیریم، هم به‌صورت نظری و هم مبتنی بر تجربه تاریخی و آزموده‌شده، می‌توان بیان کرد که این رویکرد نه‌تنها منجر به تبدیل‌شدن الگوی مطلوب حاکمیت از حجاب به هنجار اجتماعی موردقبول اکثریت نخواهد شد، بلکه وضعیتی کاملاً متضاد را ایجاد می‌کند؛ به‌نحوی که مقبولیت و رواج این الگو، دائماً سیری کاهشی را تجربه خواهد کرد. تداوم این رویکرد علاوه بر آنکه بخشی از جامعه را در موضع تقابل با حاکمیت قرار می‌دهد، ظرفیت ایجاد تنش‌های اجتماعی و کاهش رواداری را نیز در خود دارد. اتخاذ این رویکرد را می‌توان آسیبی جدی برای سرمایه اجتماعی حاکمیت در نظر گرفت.

۲. تناقض کارکردی در اقامه شرع

در نگاه شرعی و فقهی، مسئله اقامه احکام الهی در جامعه، دارای موضوعیت است. اگر هدف از به اجرا درآمدن قوانین، تحقق حجاب شرعی در سطح جامعه باشد، می‌توان بیان کرد که رویکرد موجود، نه‌تنها به تحقق حجاب شرعی در بستر جامعه کمکی نکرده است، بلکه می‌توان شاهد سیری کاهشی در التزام به حدود شرعی حجاب در دهه‌های گذشته بود. ضمن آنکه آنچه در حال حاضر به‌عنوان حدود قانونی پوشش در بستر لایحه پیشنهادی به آن اشاره شده است، تناسبی با آرای فقهی رایج در حدود شرعی حجاب ندارد و برآورنده انتظارات فقهی نیست.

۳. تناقض کارکردی در تداوم مشروعیت و اقتدار نظام

از سوی دیگر، در نسبت با موضوع مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی، باید مسئله سرمایه اجتماعی و مقبولیت نظام سیاسی در میان مردم را مد نظر قرار داد. با چنین نگاهی، رویکرد جرم‌انگارانه به دلیل از دست‌دادن پشتوانه‌های اجتماعی و فرهنگی خود در طی دهه‌های گذشته، توانایی لازم برای جلب همراهی قاطبه مردم را از دست داده است و بخش قابل توجهی از گروه‌های اجتماعی، آن را به رسمیت نمی‌شناسند. بدیهی است که در چنین شرایطی، اقدام به اجرای قوانین این حوزه با همان رویکرد سابق، نه‌تنها به اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی کمکی نمی‌کند، بلکه موجب می‌شود تا قوانین مربوط به حجاب از معنا و مشروعیت تهی شده و درنهایت، اعتبار و اقتدار نظام حامی این قوانین نیز مخدوش شود.

ارزیابی لایحه عفاف و حجاب |

مسئله لایحه

به نظر می‌رسد مهم‌ترین بروز و ظهور رویکرد جرم‌انگارانه در یک سال اخیر از سوی حاکمیت، لایحه پیشنهادی عفاف و حجاب باشد. از آنجا که تصویب این لایحه منجر به بروز برخی رفتارها توسط حاکمیت خواهد شد، بررسی آن دارای اهمیت است.

تاکنون سه لایحه پیشنهادی از سوی قوای قضائیه و مجریه و مقننه در موضوع حجاب، ارائه و به‌صورت عمومی منتشر شده است. در هر نسخه جدید از لایحه، بر حجم آن افزوده شد؛ به‌نحوی که از لایحه ۹ ماده‌ای قوه قضائیه، به لایحه ۱۵ ماده‌ای دولت و در نسخه اخیر، به لایحه ۷۰ ماده‌ای مجلس رسیده‌ایم. این لایحه ۷۰ ماده‌ای، به استناد اصل ۸۵ قانون اساسی و رأی مثبت نمایندگان، به‌صورت غیرعلنی و خارج از صحن اصلی، در کمیسیون قضایی و حقوقی بررسی شده است. در حال حاضر نتیجه‌ای از خروجی بررسی این کمیسیون روی لایحه مذکور منتشر نشده است. پس از تأیید شورای نگهبان، متن نهایی لایحه، مجدداً به صحن علنی بازمی‌گردد و مدت زمان اجرای آزمایشی آن با رأی نمایندگان مشخص خواهد شد.

خلاصه لایحه «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب»

نمای کلی فصول لایحه از این قرار است:

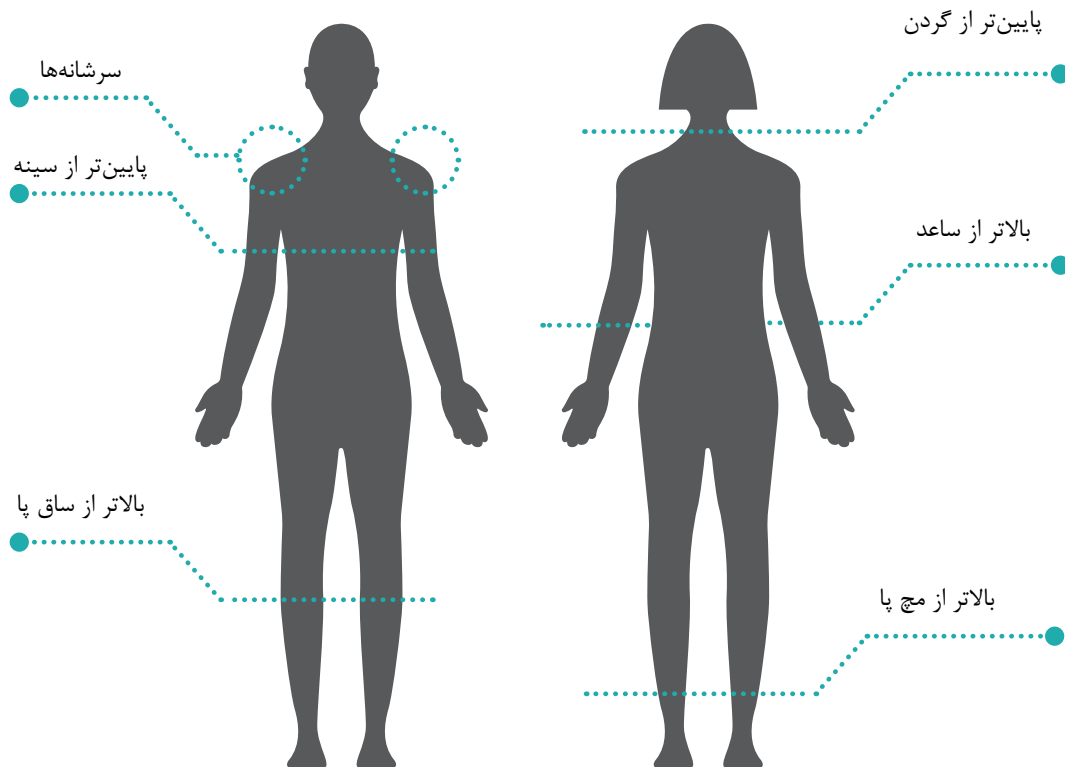
- **فصل اول:** کلیات، مشتمل بر ۳ ماده
- **فصل دوم:** وظایف عمومی دستگاه‌های اجرایی، مشتمل بر ۵ ماده
- **فصل سوم:** تکالیف اختصاصی دستگاه‌های اجرایی، مشتمل بر ۲۵ ماده
- **فصل چهارم:** وظایف عمومی و مسئولیت اجتماعی، مشتمل بر ۴ ماده
- **فصل پنجم:** جرائم و تخلفات، مشتمل بر ۳۳ ماده

فصل اول؛ کلیات

تعریف مفاهیم کلی در این فصل آورده شده است. در ابتدای این فصل عناوین ذیل معرفی می‌شوند: برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی، بدپوششی و اعمال خلاف عفت عمومی، عوامل برهم‌زدن آرامش زن و مرد در خانواده، رواج ازدواج دیرهنگام، گسترش طلاق و آسیب‌های اجتماعی و زدودن ارزش خانواده.

برای مردان: لباس بدن‌نما یا لباسی که پایین‌تر از سینه، سرشانه‌ها یا بالاتر از ساق پا دیده شود.
برهنگی: آنچه عرفاً برهنگی یا نیمه‌برهنگی محسوب شود.
بی‌عفتی و اعمال خلاف عفت عمومی: معادل اعمال منافی عفت تعریف‌شده در متون قانونی که شامل روابط نامشروع و مبادرت به اعمال خلاف عرف اجتماعی در زمینه حفظ عفت عمومی است.

تعریف هریک از مفاهیم، در فصول بعدی لایحه (به‌طور خاص فصل ۵) آمده است که در ابتدا، به آن‌ها اشاره می‌کنیم:
بی‌حجابی: نداشتن پوشش سر برای زنان.
بدپوششی: برای زنان: لباس بدن‌نما و تنگ یا لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از گردن، بالاتر از مچ پا، بالاتر از ساعد دست، قابل مشاهده باشد.



شکل شماره ۱: قسمت‌هایی از بدن که مرد و زن مبتنی بر لایحه، ملزم به پوشاندن آن هستند تا مصداق بدپوششی نباشند.



شکل شماره ۲: مصداق حجاب و بی‌حجابی مبتنی بر لایحه

فصل دوم؛ وظایف عمومی دستگاه‌های اجرایی

- تمامی دستگاه‌های مذکور، موظف به ارائه محتوا با موضوع سبک زندگی اسلامی مبتنی بر تعهد زوجین به یکدیگر و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در دوره‌های ضمن خدمت خود شده‌اند.
- تهیه محتوای این آموزش در همکاری با مدیریت حوزه‌های علمیه انجام می‌شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسئول تأیید آن است.
- برنامه‌های فرهنگی با همین موضوع نیز برای خانواده‌های کارکنان در دستور کار این دستگاه‌ها در نظر گرفته شده است.
- اقلام مربوط به حجاب نیز کالای فرهنگی تلقی خواهند شد که مشمول سیاست‌های تشویقی مالی از سوی نهادهای مختلف می‌شود.

فصل سوم؛ تکالیف اختصاصی دستگاه‌های اجرایی

- در این فصل، برای هر دستگاه اجرایی مجموعه‌ای از وظایف و تکالیف قانونی در نظر گرفته شده است.
- بازنگری و اصلاح و اجرای دستورالعمل‌های ناظر به پوشش و تعامل میان زن و مرد با توجه به مسئله حجاب، در مواد تکلیف‌شده به تمامی دستگاه‌ها موجود است.
- برخی مواد این فصل، بر تسهیل شرایط ازدواج برای دانشجویان تأکید دارند. جلوگیری از ازدواج دیرنگام نیز در همین راستا محوریت دارد.
- تفکیک‌های محیطی براساس جنسیت نیز در مواد این بخش طرح شده‌اند. مانند ایجاد پردیس‌های دانشگاهی مخصوص بانوان با کیفیت بالا و ایجاد محیط‌های تفریحی و پارک‌های مختص بانوان.
- اقدامات تنبیهی و مجازات برای خاطیان از قوانین مرتبط با عفاف و حجاب در محیط‌های مرتبط با دستگاه‌های اجرایی مذکور نیز در این فصل به صورت کلی مورد اشاره هستند.
- تأکید بر موضوع اصالت خانواده در مقابل

بی‌حجابی، در بسیاری از مواد این فصل قابل مشاهده است.

- در سیاست‌های تشویقی حوزه حجاب و عفاف، مکانیزم‌های تسهیل‌گر و تشویقی اقتصادی به صورت خاص برای پوشش چادر در نظر گرفته شده است.
- در حیطه وظایف دستگاه انتظامی، بر هوشمندسازی مکانیزم‌های ثبت جرم ناظر به موضوع عفاف و حجاب تأکید شده است.
- در خصوص دستگاه‌هایی مانند بسیج و ستاد امر به معروف، تأکید بر آموزش شیوه‌های امر به معروف به نیروهاست.

فصل چهارم؛ وظایف عمومی و مسئولیت اجتماعی

در کنار ضابطین رسمی، عموم مردم تنها در صورت گذراندن آموزش‌های مشخص و دریافت گواهی از سوی فراجا، می‌توانند تصویر بی‌حجابی یا بدپوششی را به سامانه اختصاصی فراجا ارسال کنند. برای کسانی که این تصاویر را خارج از سامانه مذکور منتشر کنند، جزای نقدی درجه ۶ (۶ تا ۲۴ میلیون تومان) در نظر گرفته شده است.

فصل پنجم؛ جرائم و تخلفات

- دو نوع از ارتکاب جرم در حوزه حجاب و عفاف، به صورت کلی در نظر گرفته شده است: سازمان‌یافته و فردی. مجازات جرائم سازمان‌یافته سنگین‌تر هستند. همین‌طور افراد دارای شهرت و تأثیرگذار اجتماعی در صورت ارتکاب جرم در این زمینه، با مجازات‌های سنگین‌تری روبه‌رو هستند (جزای نقدی درجه ۲ (۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون تومان) یا ۱۰ درصد کل دارایی)
- ممنوعیت خروج از کشور، در کنار مجازات‌های نقدی و غیرنقدی در نظر گرفته شده است.
- نقض قوانین پوشش در محل‌های کسب‌وکار، برای صاحب شغل جریمه به همراه خواهد داشت.
- بدپوششی فرد در اماکن عمومی در مرحله نخست، ۲۴ میلیون و مراحل بعدی تا ۵۰ میلیون تومان جریمه خواهد داشت.
- بی‌حجابی در اماکن عمومی، دارای جزای نقدی درجه ۶ (۶

گفت چنین رویکردی باتوجه‌به شرایط فعلی جامعه ایرانی در موضوع رعایت و عدم رعایت حجاب شرعی، منظری آسیب‌زا برای جایگاه خانواده ایرانی دارد و از الگوی سبک زندگی بخش قابل‌توجهی از خانواده‌های ایرانی، مشروعیت‌زدایی می‌کند. به بیان دیگر، عدم رعایت حجابی که در چهارچوب قانون تعریف شده است، در ذهنیت جامعه ایرانی و در چهارچوب عرف خانوادگی بخش قابل‌توجهی از ایرانیان، موردپذیرش است و معنای ضد خانواده‌بودن از آن برداشت نمی‌شود. باین‌اوصاف، تکیه بر این پیوند به‌عنوان روح اصلی لایحه، تنها امری لفظی و بدون پشتوانه عرفی و اجتماعی خواهد بود. توجه به این نکته ضروری است که گسترش فردگرایی به‌عنوان عاملی برای تغییر الگوی پوشش، در پیوند با کاهش منزلت و جایگاه خانواده است. به بیان دیگر، میان کاهش التزام به حجاب و کاهش منزلت خانواده، می‌توان رابطه‌ای مستقیم یافت؛ اما این موضوع به‌معنای این نیست که عدم رعایت حجاب، علت کاهش منزلت خانواده است و نباید رابطه همبستگی را با رابطه علت و معلولی اشتباه گرفت.

۲. نگاه مکانیکی به حجاب در وظایف دستگاه‌های دولتی

در حیطه وظایف دستگاهی، به‌دلیل نبود نگاه جامع به موضوع حجاب و توجه به ابعاد عمیق فرهنگی و اجتماعی آن، مواد طرح‌شده فاقد کارایی لازم برای ترویج حجاب و عفاف در جامعه است. در نظر گرفتن سیاست‌های تشویقی برای تولید و توزیع لوازم عفاف و حجاب به‌مثابه کالای فرهنگی، تسهیل سازوکارهای کاهش قیمت اقلام حجاب و به‌طور ویژه چادر و نگاه آیین‌نامه‌ای به موضوع استاندارد پوشش و لباس و مواردی از این‌دست، نشان‌دهنده عدم درک صحیح نسبت به روابط پیچیده زمین بازی حجاب در بستر جامعه ایرانی هستند. تلقی موجود در این زمینه، امکان کنترل و کاهش عدم رعایت حجاب با بهره‌گیری از چنین سازوکارهایی است؛ درحالی‌که مسئله حجاب، ریشه‌های عمیق‌تری دارد که صرفاً با کنترل سطح موردنظر، امکان اثرگذاری بلندمدت در آن وجود ندارد؛ هرچند که به‌صورت مقطعی و محدود شاید بتوان تغییراتی را در این زمینه مشاهده کرد.

تا ۲۴ میلیون تومان) جریمه در مرتبه اول خواهد بود و با تکرار آن، جریمه نقدی افزایش خواهد یافت.

● جریمه پس‌از رأی قطعی، به‌صورت مستقیم از حساب شخص کسر و به خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود.

● امر به‌معروف لسانی به‌شرط عدم توهین و افترا و پرخاش، مجاز و در صورت تخطی از شروط اعلام‌شده، مستوجب جزای نقدی ۶ تا ۲۴ میلیون تومان است. متقابلاً پرخاشگری در مقابل امر به‌معروف، جزای نقدی ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومانی خواهد داشت.

نقد و بررسی لایحه عفاف و حجاب

رویکرد کلی در لایحه جدید، جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب و پوشش مطلوب، در ضمن تلاش برای کاهش برخورد مستقیم است. همچنین تشدید بُعد اقتصادی مجازات‌ها و حرکت به‌سمت هوشمندسازی سازوکارهای جزایی و جریمه، از ویژگی‌های این لایحه ۷۰ ماده‌ای است.

الف. از منظر اجتماعی و فرهنگی

۱. پیوند میان مفهوم صیانت از خانواده و حجاب

فلسفه ضرورت وضع قوانین عفاف و حجاب در این لایحه، حفاظت و صیانت از نهاد خانواده در نظر گرفته شده است. میان حفظ خانواده و حجاب، رابطه‌ای مستقیم و دوطرفه فرض شده است؛ یعنی بی‌حجابی به نهاد خانواده آسیب می‌زند و تقویت خانواده نیز منجر به کاهش بی‌حجابی می‌شود. از این‌رو بخشی از مواد لایحه، به قوانین حامی و تسهیل‌کننده ازدواج جوانان اختصاص یافته است. به نظر می‌رسد تلقی مبتنی بر همبستگی تمام عیار و معکوس بی‌حجابی و ازدواج در ارائه قوانین این حوزه، نه‌تنها از پشتوانه علمی برخوردار نیست که فاقد پشتوانه عرفی و اجتماعی نیز هست. حتی می‌توان

۳. ظرفیت جریمه نقدی برای ایجاد شکاف طبقاتی

در لایحه طرح‌شده، رویکرد غالب در مواجهه با عدم رعایت حجاب، جرم‌انگاری است. علاوه بر تلقی جرم‌انگارانه از کنش‌های سازمان‌یافته و جمعی با هدف ترویج عدم رعایت حجاب، کنش‌های فردی شهروندان صرف‌نظر از جایگاه اجتماعی و اقتصادی ایشان، درخصوص عدم رعایت حجاب به‌عنوان جرم تلقی شده است و با جریمه‌های سنگین مالی، مجازات می‌شود. صرف‌نظر از درستی یا نادرستی نگاه جرم‌انگارانه به عدم رعایت حجاب، وضع جریمه‌های مالی بالا برای این عمل به‌نوعی به شکاف و تبعیض اقتصادی نیز دامن خواهد زد و گویی امکان تعدی از قوانین حجاب را برای طبقات اقتصادی بالا، آسان‌تر و برای طبقات اقتصادی پایین، سخت‌تر می‌کند.

۴. صدمه به کسب و کارها و مشاغل

در شرایط اقتصادی کنونی، ایجاد مانع و متوقف‌ساختن روند فعالیت اقتصادی کسب و کارها به‌دلیل موضوع حجاب، می‌تواند نارضایتی‌های گسترده‌ای را با خود به همراه داشته باشد. مواد موجود در لایحه، به‌نحوی هستند که صاحبان مشاغل و کسب و کارها به‌دلیل عدم رعایت حجاب توسط مشتریان خود، با جریمه و انواع مجازات‌هایی که به کسب و کار ایشان آسیب می‌زند، مواجه می‌شوند. ضمن اینکه ایجاد فشار به‌دلیل مسئله حجاب، منجر به افزایش برخورد منفی جریمه‌شدگان با اشخاص مجبیه است و این موضوع، به ضرر حجاب و از جهت کاهش رواداری، به ضرر کل جامعه است.

۵. کاهش برخورد مستقیم و حذف برخوردهای غیررسمی

به نظر می‌رسد هدف در تنظیم این لایحه، کاهش احتمال تنش و درگیری بر سر موضوع حجاب است.

از این‌رو، تلاش شده است تا برخوردهای مستقیم با موضوع عدم رعایت حجاب از سوی ضابطین، تا جای ممکن کاهش یافته و تنها به موارد ناهنجار مانند برهنگی تقلیل یابد. همچنین از ورود افراد غیرضابط به این حوزه، جلوگیری شده است و امر به معروف در حد لسانی و با وضع جریمه برای خروج از چهارچوب مسالمت‌آمیز، به رسمیت شناخته شده است. هرچند این رویکرد، به کاهش تنش اولیه و مستقیم می‌انجامد، اما با توجه به تبعات اقتصادی آن برای شهروندان و صاحبان کسب و کارها، به نظر می‌رسد امکان تنش به لایه‌های دیگری انتقال یافته باشد.

ب. از منظر حقوقی^۲

محوریت این گزارش، بررسی لایحه از منظر اجتماعی و فرهنگی است؛ اما چون لایحه، یک متن حقوقی است، از این منظر نیز به‌اجمال نقدهای مهم‌تر طرح خواهد شد.

۱. ابهام در تعریف مفاهیم

نخستین مسئله‌ای که از منظر حقوقی در مورد لایحه مذکور قابل طرح است، موضوع عدم شفافیت مفاهیم به‌کاررفته در آن است. این عدم شفافیت در مفاهیمی مانند «بی‌عفتی» قابل مشاهده است. مفاهیمی که با تعریف عرفی حدود و ثغور آن‌ها مشخص می‌شود، نیاز به شفافیت بیشتری دارد. در قسمتی دیگر از لایحه، برخی دستگاه‌ها ملزم به برخورد با اقداماتی شده‌اند که «ضد بنیان خانواده» است. این مفهوم نیز فاقد تعریف و حدود مشخص است. به نظر می‌رسد نویسندگان لایحه، از به‌کاربردن عبارات فقهی مانند: «اثاره شهوت و تلذذ و ریبه پرهیز دارند؛ ولی آن عناوین، با وجود ابهامات عرفی، از عناوین به‌کاررفته در لایحه گویاترند.

۲. برای مطالعه کامل متن نقد حقوقی لایحه به یادداشت «نقدی فقهی حقوقی بر لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» در وبلاگ سایت mssinst.com مراجعه کنید.

۲. ملاک قرار گرفتن عفت نسبی و حیثی به جای عفت عمومی

مفهوم عفت عمومی، بارها در این لایحه مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. عفت عمومی همان‌گونه از عنوان و ترکیب وصفی آن برمی‌آید، مواردی است که عموم مردم، رعایت آن را عفت بدانند و عموم مردم، ترک آن را نقض عفت تلقی کنند. در مواردی که این امر از نظر قشر خاصی از مردم مشخصاً گروه متشرعان، خلاف عفت است، دیگر نمی‌توان آن را خلاف عفت عمومی دانست. توضیحات مرتبط به حدود پوشش، گویای این است که نویسندگان لایحه، به جای مراعات عفت عمومی، عفت نسبی و حیثی را ملاک قرار داده‌اند.

۳. مغایرت‌های قانونی و شرعی

یکی از مشکلات جدی لایحه مورد بحث، مغایرت‌ها و تناقض‌هایی است که مواد پیشنهادی با متن قانون اساسی و قواعد فقهی دارند. از میان این مغایرت‌ها، می‌توان به این عناوین به اختصار اشاره کرد:

- نقض تسهیل رقابت و منع انحصار، ماده ۲۱
- خلأهای فقهی در موضوع امر به معروف، ماده ۶۴
- اختلافی بودن موضوع تکلیف کفار به فروع در رابطه با گردشگران خارجی، بند ۴ ماده ۲۵
- اشکال در تعمیم مفهوم فحشا به بدپوششی و بی‌حجابی، ماده ۳۸
- نقض قاعده وزر (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) در جرمه رانندگان یا صاحبان مشاغل (در مواجهه با مسافر و مشتری فاقد حجاب شرعی)، ماده ۵۴
- عدم جواز برداشت مستقیم از حساب متخلف در مواردی که ضرر مالی و جانی مطرح نیست (غالباً فقدان حجاب شرعی، سبب ورود خسارت جانی یا مالی بر غیر نیست)، ماده ۵۶

جمع‌بندی

کجروی اجتماعی به عملی اطلاق می‌شود که از سوی بخش گسترده‌ای از جامعه، به‌عنوان کنش ناهنجار محسوب شود. وضع جرمه برای چنین کنشی، دارای مشروعیت بوده و با هم‌نوایی جامعه همراه خواهد بود. باتوجه به تغییر و تحولات جامعه ایرانی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی، اطلاق عنوان کجروی به کلیت عدم رعایت حجاب، فاقد مشروعیت و مقبولیتی است که در دهه‌های آغازین انقلاب اسلامی شاهد آن بوده‌ایم. گسترش ابعاد جریان‌هایی مانند زوال پدرسالاری، هویتی‌شدن بدن، فردگرایی و مصرف‌گرایی، به موضوع حجاب معنای جدیدی بخشیده است که در چهارچوب کجروی اجتماعی نخواهد گنجد. در چنین فضایی، اتخاذ رویکردهای جرم‌انگار نسبت به عدم رعایت حجاب، بدون در نظر گرفتن این ابعاد و اتکای صرف بر جرمه و ایجاد محدودیت‌های قانونی، نه‌تنها منجر به حل مسئله نخواهد شد، بلکه به وخامت آن مسئله خواهند افزود.

ازسوی دیگر، وضع قوانینی که فاقد مشروعیت اجتماعی باشند، علاوه بر آنکه در عرصه اجرا با مشکل مواجه خواهند شد، در نهایت منجر به کاهش منزلت قانون‌گذار و به تبع، خود قانون می‌شوند. این موضوع، آسیبی مهم برای سرمایه اجتماعی یک نظام حکمرانی به حساب می‌آید.

لایحه اخیر مجلس در موضوع عفاف و حجاب، هرچند تلاش داشته است تا نواقص موجود در قوانین و همین‌طور پیشنهادهای پیشین در این حوزه را جبران کند، اما همچنان در همان مسیری حرکت می‌کند که منجر به شکل‌گیری بحران حجاب در جامعه ایرانی شده است.

چه باید کرد؟

حجاب، قابل مشاهده است و هر روز بر وضوح آن افزوده می‌شود. آنچه تاکنون در قبال امر فرهنگی در موضوع حجاب مورد توجه بوده است، همواره نقشی حاشیه‌ای و طفیلی داشته است و محوریت سیاست‌های حجاب، همواره موضوع برخورد قانونی و جرم‌انگار با بی‌حجابی بوده است. تا زمانی که محوریت وضع سیاست و قوانین با حوزه فرهنگ نباشد، نمی‌توان انتظار هر نوع بهبود در موضوع حجاب را داشت.

۲

با حجاب‌ها به جای بی‌حجاب‌ها: محوریت یافتن ارتقای منزلت حجاب

سیاست‌ها و قوانین حوزه حجاب، همواره بر افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کنند متمرکز بوده است. به نظر می‌رسد این تمرکز، آورده و فایده چندانی برای بهبود وضعیت پوشش و حجاب در جامعه نداشته است. از آنجایی که موضوع پوشش در عرصه اجتماعی، پیوندی تنگاتنگ با مفهوم منزلت و سرمایه نمادین دارد، نمی‌توان انتظار داشت که اقبال به حجاب بدون ارتقای منزلت اجتماعی افراد محجبه محقق شود. گروه زنان محجبه همواره در عرصه سیاست‌های ناظر به حجاب، مورد غفلت و انکار بوده‌اند. در صورتی که نقطه تمرکز سیاست‌های حجاب، باید همین گروه باشند. در صورتی که زنان محجبه از منزلت اجتماعی

ارائه پیشنهادهای سیاستی^۱

در حال حاضر چه باید کرد؟ در سیاست‌های کلان ناظر به موضوع حجاب، نیاز به چه نوع تغییر رویه داریم؟ پیش از پاسخ به این سؤالات، باید هدف خود را ناظر به گروه‌های ذی‌نفع مختلف از ارائه پیشنهادهای شرح دهیم. به بیان دیگر، گروه‌های مختلف اجتماعی هریک به دنبال دستیابی به چه وضعیتی در موضوع حجاب هستند و چگونه می‌توان به صورت بهینه به این اهداف دست یافت.

۱

تغییر محور سیاست‌گذاری: از جرم‌انگاران به فرهنگی

برای دستیابی به وضعیت مطلوبی که تاکنون حاصل نشده است، اولین گام، تغییر رویکرد کلان سیاستی است. زمین بازی سیاست‌گذاری در موضوع حجاب، باید به عرصه فرهنگ منتقل شود. شکست رویکرد مجازات‌محور و کنترل قانونی در موضوع

۱. در این بخش موارد ۲، ۵ و ۶ برگرفته از گزارش «حکمت‌هایی مینایی و سیاست‌هایی موثر در سلامت جامعه از نظر پوشش» از پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت هستند.

۴

هدایت نیروها: کنترل تنش‌ها

بخشی از جامعه مذهبی ایران، فارغ از موضع‌گیری سیاسی ایشان، مدافع اجبار به حجاب در عرصه قانونی هستند. مبتنی بر پیمایش‌هایی که نهادهای معتبر و با سابقه انجام داده‌اند، این بخش از جامعه، سهمی کمتر از بیست درصد را به خود اختصاص می‌دهند.^۲ در عین حال این سهم، بسیار مهم و غیرقابل چشم‌پوشی است. ضمن اینکه بخش قابل توجهی از این گروه، پتانسیل بالایی برای ایجاد تنش و درگیری در سطح اجتماعی دارند و در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌توانند مشکلات فراوانی را به‌خصوص ناظر به مفهوم رواداری اجتماعی ایجاد کنند. سیاست‌های حوزه حجاب باید نیروی این گروه از جامعه را به سمت فعالیت فرهنگی و تبلیغی هدایت کند و مانع از تجلی‌یافتن ظرفیت این گروه در عرصه‌هایی شود که مستعد ایجاد تنش در جامعه است. این گروه از جامعه باید این امکان را داشته باشند که دغدغه‌های خود در موضوع حجاب را از مجرای فرهنگی آن پیگیری کنند و همچنین نسبت به نتایج و پیامدهای رویکرد فعلی نسبت به موضوع حجاب آگاه شوند. به بیان دیگر، باید برای این گروه تبیین شود که چنین رویکردی در نهایت، به زیان هدفی است که آن‌ها در موضوع حجاب دنبال می‌کنند (مسئله تناقض کارکردی که به آن اشاره شد).

۲. باید توجه داشت که عدم موافقت با اجبار به حجاب، به معنای عدم پذیرش اصل حجاب نیست. همچنان سهم افرادی که معتقد به حجاب به‌عنوان یک واجب دینی و عرفی هستند، در جامعه ایران بیشتر از ۵۰ درصد است و می‌توان ادعا کرد که اکثریت جامعه ایرانی، حجاب را در چنین جایگاهی پذیرفته‌اند؛ اما می‌توانند به الزام و اجبار قانونی آن معتقد نباشند.

مطلوبی برخوردار شوند، می‌توان انتظار داشت که الگوی پوشش ایشان نیز مورد اقبال بخش قابل توجهی از جامعه قرار گیرد. در این زمینه، ذکر این نکته بسیار ضروری است که بخش عمده این سیاست در عرصه اجرا، با جامعه مدنی خواهد بود و مداخله دولت در این عرصه، باید در حداقلی‌ترین حالت ممکن و حتی واگذاری کامل آن به جامعه باشد. این منزلت اجتماعی باید بدون مداخله مستقیم دولت ایجاد شود. به بیان دیگر، بهترین اقدام دولت در این زمینه، واگذاری میدان به جامعه و کاهش مداخله مستقیم است.

۳

تمرکززدایی از چادر: وسعت دادن به گستره مصادیق حجاب

یکی از آسیب‌هایی که رویکرد موجود در موضوع حجاب به آن دچار است، تنگ‌بودن دامنه مصادیق حجاب مطلوب است. تأکید بیش از اندازه‌ای که بر چادر به‌عنوان مصداق حجاب صورت گرفته است، منجر می‌شود تا سایر گونه‌های حجاب، مجال بروز و رشد کافی را نداشته و به تبع، به رسمیت شناخته نشوند. در چنین شرایطی، ذائقه‌های مختلف موجود در جامعه، زمانی که نتوانند پوشش خود را مبتنی بر سلیقه و خواسته خود در دایره حجاب بیابند، بدیهی است که راهی جز خروج از این دایره محدود نخواهند داشت. در مقابل، زمانی که مصادیق رعایت حجاب، بسیار متنوع و گسترده و متناسب با سلاقی گوناگون باشد، می‌توان انتظار داشت که اقبال به حجاب و استفاده از آن گسترش یابد. چادر نباید به‌عنوان یک نمونه انحصاری از حجاب معرفی و بازنمایی شود؛ چنانچه در لایحه پیشنهادی اخیر نیز می‌توان مشاهده کرد تأکید غیرضروری و بلکه آسیب‌زایی به چادر در این متن وجود دارد. چادر نیز باید به‌عنوان یکی از انواع مورد استفاده حجاب در جامعه شناخته شود که کنار سایر گونه‌های حجاب، توسط زنان انتخاب می‌شود. وظیفه دولت در این زمینه، تمرکززدایی از چادر و وظیفه جامعه مدنی و گروه‌های مذهبی، ارائه الگوهای متنوع حجاب و متناسب با سلاقی و اقتضائات مختلف است.



۶

زیربنا به جای روبنا: فهم حجاب به عنوان یک عمل عبادی، نه یک عادت رفتاری صرف

حجاب به عنوان نوع خاصی از پوشش بانوان در جامعه ایرانی، متکی بر قرائت دینی است. برخی اقدامات در جهت حفظ و گسترش حجاب سعی دارند تا با مبانی غیردینی، این امر را ترویج کنند. این مسئله منجر به تولید ادبیاتی در دفاع از حجاب شده است که نه تنها اقناع کننده نبوده، بلکه بعضاً مورد تمسخر نیز قرار می گیرد. پیشنهاد می شود فعالان عرصه حجاب بیشتر به تبیین درون دینی این مسئله بپردازند.

۵

بهبود پوشش نه حجاب شرعی: بازتعیین هدف و چشم انداز در حوزه حجاب

قراردادن حجاب شرعی، مبتنی بر حدود پوشش تعیین شده توسط فقها، به عنوان هدف در عرصه قوانین و مقررات حجاب، به معنای شکست در همان ابتدای راه خواهد بود. حجاب شرعی نباید به عنوان هدف بلکه به عنوان چشم انداز در نظر گرفته شود و در مقابل بهبود پوشش به عنوان هدف، مد نظر قرار گیرد. در چنین شرایطی، سیاست ها و برنامه های اجرایی بر هدفی قابل دسترس متمرکز خواهند شد. موضوع تناقض کارکردی در اقامه شرع که به آن اشاره شد نیز با چنین رویکردی برطرف می شود، به علاوه اینکه بهبود پوشش، مقدمه دستیابی به اقامه شرع نیز خواهد بود.



www.mssinst.com | Contact@mssint.com

